

## Principles of Islamic State in the Islamic-Iranian Model of Progress from Imam Khamenei's Perspective

Younes khodaparast<sup>1</sup>

Sayyid Muhammad Mousavi khu<sup>2</sup>

1. Doctor of Political Science, Department of Islamic Education, YasujUniversiti, Yasuj, Iran  
(Corresponding Author). younes.khodaparast@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, YasujUniversiti, Yasuj, Iran.  
mmusavikhu@gmail.com

Received: 10 April 2018; Accepted: 6 December 2019

### Abstract

This project was aimed at explaining the Islamic government foundations in Iranian Islamic progress patterns from Khamenei's viewpoint. With this regard, respected data accumulated from Khamenei's speech was analyzed through a rational methodology and in a descriptive-analytical way. Results demonstrated that from this point of view the foundation of an Islamic Government could be delivered into two different groups including conceptual and conformational. That is to say, conceptual foundations would monitor the lexical definition and terminology attached to the patterns of Islamic Iranian progress and the interpretation of the Islamic Government nature. From this perspective, the government equals to a tool in lieu of a goal, a trustee instead of a conquest, and moreover, it is assigned for service not to accumulating power and wealth. It also means responsibility and Vilayat not monarchy. The conformational foundations are also divided into two concepts of near and far. Far foundations represent: ontological, epistemological, anthropology, and cognitive methodology. Whereas, near foundations represent moral sense, justice, wisdom, legalism, the rejection of dominant system, endogenous, and being extravagant.

**Keywords:** Islamic Government, Imam Khameneii, Islamic Iranian Progress Patterns, Developmental Patterns.

## مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خامنه‌ای

یونس خداپرست<sup>۱</sup>  
سیدمحمد موسوی‌خو<sup>۲</sup>

۱. دکتری علوم سیاسی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول).  
younes.khodaparast@yahoo.com

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. mmusavikhu@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خامنه‌ای بود. بر این اساس، در تجزیه و تحلیل موضوع از روش‌شناسی عقلی به نحو توصیفی - تحلیلی بهره برده و با روش اسنادی داده‌های مورد نظر را از بیانات امام خامنه‌ای استخراج شد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مبانی دولت اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای به طور کلی به دو دسته تصویری و تصدیقی قابل تقسیم است. در این میان، مبانی تصویری ناظر به تعریف لغوی و اصطلاحی مبانی، الگو، اسلامی، ایرانی، پیشرفت و تلقی از ماهیت دولت اسلامی است. بر اساس این تلقی، حکومت ابزار است نه هدف، امانت است نه تملیک، تدبیر است نه تزویر، برای خدمت است نه برای کسب قدرت و پرستیژ، هم حق است هم تکلیف و بالاخره ولایت است نه سلطنت. مبانی تصدیقی دولت اسلامی به دو دسته مبانی دور و نزدیک تقسیم می‌شود. مبانی دور عبارتند از: مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی و بایدهای مبانی نزدیک دولت اسلامی به سلامت اعتقادی و اخلاقی، عدالت، حکمت، قانونگرایی، نفی نظام سلطه، درون‌زا و برون‌گرا بودن اشاره دارد.

واژه‌های کلیدی: دولت اسلامی، امام خامنه‌ای، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، الگوهای توسعه.

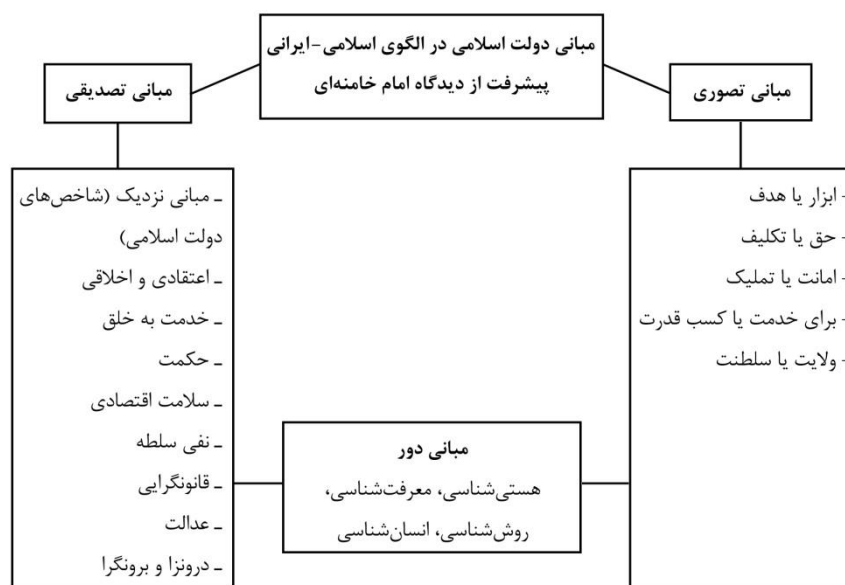
## ۱. مقدمه

امام خامنه‌ای ایده الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را یک مساله حیاتی می‌داند، چراکه الگوهای غربی و دیگر الگوهای عملیاتی شده در مورد دولت‌ها، الگویی ناموفق بوده است. در نظام اسلامی، مدل توسعه غربی نه تنها به نتایج مثبتی منجر نخواهد شد، بلکه خسارات جبران‌ناپذیری برای آن جامعه به بار می‌آورد، زیرا مبانی نظری و ماهیت فکری جوامع لیبرال دموکراسی یا سوسیال دموکراسی<sup>۱</sup> و مارکسیسم، اومانستی بوده و به همین علت آثار و پیامدهای نامطلوبی را در آن جوامع در پی داشته است. در الگوی غربی، ارزش‌های انسانی، ابزاری برای پیشرفت مادی و قربانی مادیات شده‌اند. محصول تجربه غرب در نظام‌های اجتماعی، فاشیسم، کمونیسم، لیبرالیسم یا لیبرال دموکراسی است. بنابراین، برای پیشرفت انسانیت و برخورداری انسان‌ها از روابط صحیح انسانی و اجتماعی و رسیدن به اوج تکامل، عدالت و امنیت، نیاز به شکل‌دهی نظام و حکومتی است که بتواند این اهداف را محقق کند. دولت در جامعه اسلامی، همانند دیگر جوامع بشری، نه تنها بیانگر وجود مجموعه‌ای از نهادها است، بلکه حاکی از وجود نگرش‌ها و شیوه‌های خاصی از اعمال و رفتار بوده که مدنیت اسلامی خوانده شده و در واقع جزئی از تمدن اسلامی محسوب می‌شوند (فیرحی، ۱۳۸۸: ص ۱). این مهم با انقلاب اسلامی در ایران آغاز شده و با تشکیل نظام اسلامی، هندسه عمومی جامعه اسلامی شد، ولی در ادامه این فرآیند، برای ایجاد دولت اسلامی بایستی کارگزاران حکومتی، منش و روش اسلامی داشته باشند تا شرایط برای ایجاد کشور اسلامی مهیا شده و در نهایت زیرساخت‌هایی برای ایجاد تمدن اسلامی فراهم آید.

در ادبیات سیاسی و اجتماعی برخواسته از تفکر بومی و اسلامی، دولت واجد معانی عمیق و گسترده است. برای مثال می‌توان به اندیشه‌های امام خمینی، آیت‌الله نائینی و امام خامنه‌ای استناد کرد. در این نوشتار منظومه فکری امام خامنه‌ای مبنای رجوع است که یکی از منابع اصلی و بالادستی برای شناخت مسیر انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. ایشان در آغاز دهه هفتاد موضوع

تشکیل دولت اسلامی را مطرح و در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۲ با طرح مقوله «دولت اسلامی» چستی، چرایی و چینش مراحل پنج‌گانه آن شامل «انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی و تمدن اسلامی» و چگونگی فرآیند تحقق آن در بستر و خاستگاه نهضت اسلامی را به عنوان مطالبه جدی اهداف انقلاب اسلامی تبیین کرد و پس از آن در دهه هشتاد و نود طی چندین مرحله و در سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۰ حرکت به سمت تحقق دولت اسلامی را امری واجب قرار دادند. در این راستا، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خامنه‌ای چیست؟ همچنین پژوهش بر این فرض استوار است که مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت از دیدگاه امام خامنه‌ای یا از نوع مبانی تصویری یا از نوع مبانی تصدیقی است. مبانی تصویری، ناظر به چستی و ماهیت حکومت و مبانی تصدیقی، معطوف به هستی، چرایی و چگونگی آن می‌باشد.

## ۲. مدل مفهومی تحقیق



### ۳. پیشینه تحقیق

با توجه به این‌که الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در سال‌های اخیر مورد توجه و مطالعه قرار گرفته، ولی براساس بررسی‌های انجام شده، در داخل و خارج از کشور تحقیق مستقلی که به تشریح مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت از منظر امام خامنه‌ای پرداخته باشد، وجود ندارد. در عین حال، در زمینه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و مبانی دولت اسلامی تحقیقاتی انجام گرفته که برخی از مهمترین آن‌ها به شرح زیر است:

مظفری (۱۳۸۷)، در مقاله «الگوی عدالت و پیشرفت در اسلام با تاکید بر الگوی دولت مهدوی»، در پاسخ به پرسش الگوی عدالت و پیشرفت در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ از منابع اسلامی و با تاکید بر دولت مهدوی بهره‌گیری کرده و بر این اساس، به تشریح دو الگوی عدالت و پیشرفت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی - فرهنگی، قضایی و غیره پرداخته است. براساس نتایج این تحقیق، هر نوع تصویری که نظام اسلامی را فاقد الگو در این زمینه معرفی می‌کند، مردود است. بنابراین، توصیه برخی روشنفکران و غرب‌گرایان مبنی بر این‌که ما ناچار به تقلید از مدل‌های توسعه و مساوات‌خواهی در غرب هستیم، نادرست است. به علاوه مقابله آموزه‌های اسلامی و مهدوی با مقوله تحجر و عقب‌ماندگی، در پیشرفت‌های چشمگیر در دولت آرمانی اسلام، تجلی می‌یابد.

حمزه‌پور (۱۳۸۷)، در مقاله «ضرورت‌ها و ویژگی‌های الگوی توسعه اسلامی - ایرانی»، به تشریح و تبیین مفاهیمی همچون توسعه دین‌محور، الگوهای توسعه و مؤلفه‌های توسعه اسلامی - ایرانی پرداخته و به این نتیجه رسیده که مبانی دیدگاه اسلام و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان متفاوت است. در اسلام پیشرفت مادی بر خلاف غرب وسیله‌ای در برابر رشد تعالی انسان است. در جهان‌بینی اسلام، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان در برقراری عدالت و حکومت حق است. مدل مطلوب در دیدگاه اسلام، الگوی پیشرفت مبتنی بر معنویت است که مهم‌ترین الزامات آن عبارتند از: تعریف شفاف از مدل پیشرفت و تنظیم نقشه جامع پیشرفت کشور براساس مبانی اسلام که از وظایف نخبگان حوزوی و دانشگاهی است.

فیرحی (۱۳۸۸)، در کتاب «نظام سیاسی و دولت در اسلام» دیدگاه‌های مختلف در خصوص نظام سیاسی و دولت در اسلام را توصیف و تبیین کرده است. همچنین ساختار و کارکردهای نظریه جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه را براساس اندیشه‌های امام خمینی مورد ارزیابی قرار داده است. ایشان بر این باور است که هر سه نظریه مشروعیت الهی، مشروعیت مردمی و مشروعیت الهی-مردمی بر جایگاه ولایت فقیه در جمهوری اسلامی اتفاق نظر دارند. بحث در مورد دامنه قدرت و نظریه‌های مختلف در مورد محدوده اختیارات ولایت فقیه و نقش مردم در حکومت، از دیگر مباحث این کتاب هستند.

شاهرخی (۱۳۸۹)، در پایان‌نامه «مبانی مشروعیت حکومت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای و شهید صدر»، به نظرات دو اندیشمند تأثیرگذار در جهان اسلام می‌پردازد و به این نتیجه رسیده است که آیت‌الله خامنه‌ای مبنای مشروعیت را تحقق اراده الهی دانسته، اما آیت‌الله صدر مشروعیت را ترکیبی از اراده الهی - مردمی می‌داند.

گرچه منابع مذکور به تشریح الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و مبانی دولت اسلامی پرداخته‌اند، اما موضوع مبانی دولت اسلامی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت از منظر امام خامنه‌ای را به طور مستقل ترسیم نکرده‌اند و انجام چنین پژوهشی می‌تواند مفید باشد.

#### ۴. تعریف مفاهیم

یکی از مبانی مهم نظری در هر پژوهش مبانی تصویری یا تعریف مفاهیم مندرج در آن موضوع است. در این راستا ابتدا مفاهیم موضوع تحقیق، یعنی «مبانی»، «دولت اسلامی»، «الگو»، «اسلامی-ایرانی»، و «پیشرفت» به اختصار تعریف، سپس مبانی تصدیقی دولت اسلامی تشریح می‌شود.

۴-۱. **مبانی:** مبانی جمع مبنا است که در لغت به معنی ریشه و پایه می‌باشد. علی‌اکبر دهخدا در تعریف مبانی می‌نویسد: «واژه‌ای عربی و جمع «مبنی» می‌باشد. این کلمه به معنای عمارت‌ها، بناها، بنیان‌ها و اساس‌ها است» (دهخدا، ۱۳۵۲: ج ۴۳، ص ۲۱۴).

مبانی علوم به طور کلی بر دو قسم است: تصویری و تصدیقی. مبانی تصویری، آن دسته از مفاهیمی است که بدون حکم و به‌طور ساده قابل درک بوده و به تعریف موضوع و محمول قضایا

اختصاص دارد. مبانی تصدیقی دسته‌ای از گزاره‌ها و نظریه‌ها است که درک آن همراه با حکم بوده و به عنوان اصول کلی و مهم، شالوده مسائل هر علمی است. بنابر قول شهید محمدباقر صدر، معلومات انسانی از نظر مکتب عقلی دو گونه هستند: یکی قضایای ضروری و بدیهی که ذهن انسان بدون درخواست دلیل و برهان آن‌ها را می‌پذیرد، و دوم قضایای نظری هستند که ذهن انسانی آن‌ها را در پناه قضایای گروه اول می‌پذیرد (صدر، ۱۳۵۹: ۳۲۴-۳۳۲). با توجه به تعریف و تقسیم فوق، منظور از مبانی تصدیقی حکومت در این پژوهش، قضایای دسته دوم است که محتاج دلیل و برهان هستند و بر این اساس، در مبانی تصدیقی حکومت از طریق ادله و براهین، مطالب مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۴-۲. دولت اسلامی: نظریه‌پردازی درباره دولت به معنی تأمل درباره غایات حیات اجتماعی و تغییر آن‌ها است (وینسنت، ۱۳۷۱: ص ۳۲۱). دانشمندان علم سیاست، اجماع نظری درباره تعریف مفهوم دولت ندارند و تعاریف متعدد و گاه متناقضی را از این مفهوم کلیدی ارائه کرده‌اند. عبدالرحمن عالم می‌نویسد:

متفکران و پژوهشگران سیاسی در مورد تعریف دولت توافق نظر ندارند. اختلاف پیش از هر چیز به گوناگونی اندیشه‌ها در مورد سرشت دولت که بر تعریف‌ها اثر می‌گذارد، مربوط است. در حالی که برخی از متفکران سیاسی دولت را در اساس، یک ساختار طبقاتی می‌دانند، دیگران بر این اندیشه‌اند که دولت فراتر از طبقات و نمایانگر کل اجتماع است. عده‌ای آن را نظام قدرت می‌دانند. برخی آن را تضمین‌کننده زندگی جمعی می‌دانند، در حالی که دیگران آن را نهادی اخلاقی می‌دانند که از رفاه و تامین اخلاقی انسان جدایی‌ناپذیر است. برخی آن را از دیدگاه حقوقی محض به مثابه اجتماعی تلقی می‌کنند که طبق قانون سازمان یافته است و برخی آن را با خود دولت یا جماعت یکسان می‌دانند. عده‌ای بر جنبه ساختاری و برخی دیگر بر جنبه کارکردی آن تاکید دارند (عالم، ۱۳۷۳: ص ۱۳۴). بر این اساس، تعریف دولت در نظام سیاسی اسلام نمی‌تواند منفک از جهان‌بینی اسلامی معنادار باشد. در عین حال صورت‌بندی تعریف جامعی از آن کار آسانی نیست. جهان اسلام در گذشته‌ی خود، مفهوم دولت را در شکل «خلافت» و «سلطنت» تجربه کرده است.

در نظام سیاسی شیعه الگوی امامت مطرح است، البته عده‌ای بر این باورند که برخی از علمای شیعه اقامه حکومت را از شئون امام معصوم می‌دانند و تشکیل حکومت در عصر غیبت را جایز نمی‌شمارند و ولایت فقیه را عدول از دیدگاه شیعه در باب عدم مشروعیت حکومت در زمان غیبت می‌دانند، ولی تلاش این قلم به منابع دست اولی که حاوی این عقیده باشد به نتیجه نرسیده، بلکه از بعضی سخنان درباره ولایت فقیه استفاده می‌شود که تشکیل حکومت در عصر غیبت از جمله اموری است که همه علمای اسلام بر آن اتفاق نظر دارند، هرچند تصریح به تشکیل دولت به شکل امروزی که همه ابزارهای اداره جامعه را توسط فقیه در اختیار داشته باشد، در کلام پیشینیان وجود ندارد. ولی تصریح آنها به ولایت فقیه در امر قضاوت و اجرای حدود، جهاد، خمس، زکات و امور حسبیه حاکی از آن است که آنان نیز به مسئله لزوم تشکیل حکومت اسلامی، با شدت و ضعف‌هایی در مفهوم آن، اعتقاد داشته‌اند و اختلاف آنان فقط در گستره اختیارات آن است (حجایی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۷۷-۱۷۶). در این راستا، تجربه دولت‌سازی در جمهوری اسلامی مبنی بر بازسازی، الگوی امامت، نقطه عطفی در تاریخ تطور دولت در تجربه اسلامی است که در آن ولی فقیه، رئیس دولت، و نظام منبعث از ولایت فقیه، دولت اسلامی محسوب می‌شوند. بهترین و مهم‌ترین منبع برای تدوین نظریه دولت اسلامی، بیانات امام خامنه‌ای است، زیرا ایشان، به مدت هشت سال رئیس دولت، در نظام جمهوری اسلامی ایران بود، از طرف دیگر یکی از مراجع عالیقدر دینی و خطوط کلی نظام اسلامی را برای رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی طراحی می‌کنند.

بر این اساس، این نوشتار درصدد استنباط و ترسیم دولت اسلامی در دل منظومه فکری و سیاسی امام خامنه‌ای است. ایشان مفهوم دولت اسلامی را اینگونه بیان می‌کند: «... معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک کنیم» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸). بنابراین، در اندیشه امام خامنه‌ای دولت‌سازی اسلامی متوقف بر اسلامی شدن چهار مولفه کلیدی است که عبارتند از: «سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد جامعه



اسلامی»، «نظامات گوناگون اداره‌کننده کشور» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴)، «نهادهای و بنیان‌های اداره مدیریت کشور»، «روش و منش دولت‌مردان» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲). در این راستا، امام خامنه‌ای در تعریف دولت اسلامی می‌فرماید:

دولت، فقط قوه مجریه نیست، یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند، نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور را برعهده دارند ... دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادسازی‌های لازم برای ایجاد ... جامعه اسلامی است ... اما سازوکارها، چینش این نهادهائی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند، قابل نو شدن است ... البته باید متکی به اصول ... ناظر به اصول ... در همه‌ی نظامات جمهوری اسلامی ... این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود ... باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی ... (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴).

بطور کلی در منظومه فکری امام خامنه‌ای هر جا سخن از دولت اسلامی به میان آمده، دولت دارای بار معنایی عام و فراگیر بوده و معادل حکومت و حاکمیت است و همه ارکان نظام، رهبر انقلاب و فرماندهی کل قوا، قوای سه‌گانه و همه نهادهای حاکمیتی را در بر می‌گیرد.

۳-۴. الگو: در کتب لغت فارسی (دهخدا و معین) معادل‌های واژه «الگو» عبارتند از: مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال و نمونه، اما رایج‌ترین معادل انگلیسی آن «مدل»<sup>۱</sup> است (دهخدا، ۱۳۸۵: ص ۲۲۱).

از نگاه دیگر، الگو آن چیزی است که در انسان ایجاد انگیزه برای پیروی می‌کند، چنان‌که در قرآن کریم هم از لفظ «اسوه» و الگو استفاده شده است. قرآن درباره رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (احزاب، ۲۱)؛ یعنی «در شخصیت رسول خدا، الگوی عالی برای شما وجود دارد». درباره حضرت ابراهیم (ع) نیز قرآن می‌فرماید: «قد کان لکم اسوه

حسنه فی ابراهیم و الذین معه» (ممتحنه، ۵)؛ یعنی «در ابراهیم و آنان که با او بودند برای شما الگوی عالی وجود دارد». در مجموع، چنان که از سخنان امام خامنه‌ای نیز استفاده می‌شود، «الگو یک وسیله و معیار و میزانی است برای این که آن کاری که می‌خواهد انجام [شود]، با آن الگو تطبیق داده شود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۶/۳۰).

۴-۴. مفهوم «اسلامی- ایرانی»: از دیدگاه امام خامنه‌ای الگو اسلامی است، به خاطر اینکه غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت، یعنی تکیه‌ی ما به مفاهیم، معارف و منابع اسلامی است، قرآن، سنت و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه، کلام، فقه و حقوق ما وجود دارد. همچنین الگو ایرانی است به خاطر اینکه علاوه بر شرائط تاریخی، جغرافیائی، فرهنگی، اقلیمی و جغرافیای سیاسی، در تشکیل این الگو، طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم، ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰) بنابراین، وصف الگو به ایرانیت بدین لحاظ است که فکر و ابتکار ایرانی این الگو را بدست آورده و ایران ظرف آن خواهد بود.

۴-۵. مفهوم «پیشرفت»: توسعه و تمدن‌سازی، هم در جهان‌بینی اسلام از اصول بنیادین مکتب بوده و هم از رهگذر انقلاب اسلامی ایران در معرض خیزش قرار داشته و مدعی و خواهان آن است و به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی کشور مورد تأکید می‌باشد (غفوری، ۱۳۸۲: ص ۵۸). در تفسیر توسعه از نظر اسلام، می‌توان واژه کمال را به جای آن به کار برد (غفوری، ۱۳۸۲: ص ۶۱). پیشرفت در اصطلاح دینی و اندیشمندان اسلامی مترادف با معنای تکامل و حرکت دائمی است. مقصود از پیشرفت از دیدگاه امام خامنه‌ای حرکت جمعی مستمر، تکاملی، آگاهانه و هدفمند، متوازن و جامع ابعاد مادی و معنوی به سمت شکوفاسازی هرچه بیشتر استعدادهای انسان و حیات طیبه اسلامی، با تکیه بر مبانی و آموزه‌های اسلامی همراه با استفاده از خرد و دانش بشری است (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۹/۲۷).

امام خامنه‌ای بر این باور است که پیشرفت در معنا و منطلق اسلامی، تفاوت اساسی با پیشرفت

از دیدگاه غرب دارد. بر عکس دیدگاه یک بعدی غربی ... دیدگاه اسلامی بر گوناگونی و متعدد بودن ابعاد پیشرفت تاکید دارد و بر خلاف دیدگاه تنگ‌نظرانه غربی، مولفه‌هایی نظیر عبودیت و تقرب به خدای متعال، اخلاق، ایمان، عزت و اعتبار بین‌المللی و استقلال سیاسی را نیز شامل می‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۱۹).

به علاوه ایشان بعد از تبیین و تشریح عرصه‌های «فکر»، «علم» و «زندگی»، چهارمین عرصه برای پیشرفت را «معنویت» دانسته و در خصوص ضرورت آن در الگوی «پیشرفت» می‌فرماید: ... معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد، بلکه معنویت روح همه اینها است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱). یک شاخص دیگر برای پیشرفت، عدالت است. اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این با منطق اسلام پیشرفت نیست (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲). در تعریفی دیگر، ایشان یکی از شاخصه‌های پیشرفت یک ملت را عزت ملی و اعتماد به نفس ملی می‌داند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲) و هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده استقلال کشور باشد؛ یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - یا وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمی‌شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

## ۵. مبانی تصویری دولت اسلامی

منظور از مبانی تصویری دولت اسلامی، مفاهیمی است که در راستای درک معنا و مفهوم دولت اسلامی نقش اساسی دارند و تلقی صحیح از دولت اسلامی در گرو فهم صحیح آنها است؛ بگونه‌ای که اگر این مفاهیم بطور درست تصور شوند، تصدیق دولت اسلامی امر مشکلی نخواهد بود. بنابراین، تلقی و تصور دولت اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای در ادامه تشریح خواهد شد.

۵-۱. حکومت؛ ابزار یا هدف: در طول تاریخ و در بین اندیشمندان و نظریه‌پردازان سیاست، برخی حکومت را ابزار و برخی دیگر به‌مثابه هدف دانسته‌اند. در این زمینه امام خامنه‌ای بعد از تشکیل نظام عادلانه و استقرار عدالت اجتماعی، هدف دولت واقعاً اسلامی را مکارم اخلاق، در

میان بشر، افراد جامعه و انسان‌ها می‌داند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹).

**۲-۵. حکومت؛ حق یا تکلیف:** حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند. این نکته ریشه در سرشت انسان‌ها داشته و در آموزه‌های اسلامی جلوه و جایگاه ویژه دارد. امام خامنه‌ای براساس مکتب نبوی، علوی و مکتب امام خمینی بر حق و تکلیف بودن دولت اسلامی تاکید داشته و می‌فرماید: «مردم‌سالاری دینی ... برخاسته از حق و تکلیف الهی انسان است - صرفاً یک قرارداد نیست ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۳/۱۴). از منظر ایشان همه افراد جامعه حق رأی دادن و انتخاب کردن درباره مدیران جامعه در نظام‌های فاشیستی، صهیونیستی، ارتجاعی و بسیاری از نظام‌های پادشاهی و تک‌حزبی همانند نظام کمونیستی را ندارند و در نظام‌های غربی سلطه تبلیغاتی مانع از آن است که همه افراد جامعه، واقعاً بتوانند انتخاب کنند. در نظام اسلامی رأی مردم در انتخاب حاکم و در کاری که حاکم انجام می‌دهد، مورد قبول و پذیرش قرار گرفته است. امام علی(ع) با اینکه خود را از لحاظ واقع منصوب پیامبر(ص) و صاحب حق واقعی برای زمامداری می‌داند، وقتی کار به رأی مردم می‌گردد روی رأی مردم تکیه و آن را معتبر می‌شمارد. آن وقتی که بعد از قتل عثمان، مردم آمدند اطراف خانه امام علی(ع) را گرفتند، امام خطاب به مردم فرمود که شما چه کاره‌اید؟ رأی شما چه تاثیری دارد؟ فرمود «دعونی و التمسوا غیری»، وقتی می‌خواست استنکاف کند از قبول خلافت و زمامداری، به مردم گفت من را رها کنید، به سراغ دیگری بروید، یعنی اراده شما ... تعیین‌کننده است، پس از من منصرف بشوید به سراغ دیگری بروید ... (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ص ۱۸۱-۱۸۰).

**۳-۵. حکومت؛ امانت یا تملیک:** امت اسلام با خلافت بنی‌امیه گرفتار انحطاط شد و مرز میان حکومت علوی و اموی امانت است. در این راستا حکومت از دیدگاه امام خامنه‌ای امانتی الهی، و نه وراثت است. در صورتی که قبل از پیروزی انقلاب حکمرانانی به پشتوانه‌ی زور، امانت عظیم الهی - یعنی حاکمیت و ولایت بر مردم - را مثل یک مال شخصی به ارث می‌گذاشتند و کسانی که امروز در دنیا دم از دموکراسی و حقوق بشر می‌زنند، با رژیم خودکامه پهلوی و با شیوه غیرانسانی حکومت، همکاری می‌کردند. در کشورهایی که حضور مردم - لاقلاً در مقام ادعا - تأثیرگذار در

حکومت بود، ارزش‌های معنوی غائب از صحنه بودند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۵/۱۲).

**۴-۵. حکومت؛ برای خدمت یا کسب قدرت و پرستیژ:** در نظام سیاسی اسلام، دستیابی به یک پست عمومی، فرصت خدمت‌گزاری و پوشیدن لباس خدمت‌گزاری است. این گفته در دولت نبوی، علوی و مکتب امام خمینی و امام خامنه‌ای هویدا است. اما چه کسی باید جبهه خدمت را بر تن کند؟ کسی که صلاحیت لازم دارد. در این راستا امام خامنه‌ای می‌فرماید: «در دوران جمهوری اسلامی مسئولان کشور تنها وظیفه خودشان را خدمت به مردم می‌دانند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۹). بنابراین، مقام اجتماعی در دولت اسلامی سنگر مسئولیت و خدمت است.

**۵-۵. حکومت؛ ولایت یا سلطنت:** امام خامنه‌ای بر این باور است که حکومت در اسلام، حکومت ولایی، و ولایت یعنی حکومت است. ایشان بر این باور است که ولایت یعنی حکومت الهی به دور از سلطنت و اقتدار خودخواهانه و توجه به اصلاح جامعه و امر و نهی الهی بوده و در این راستا ولایت اسلامی به صورتی است که وقتی مخالفین در حکومت امیرالمؤمنین، خلخال از پای زن یهودی بیرون می‌آورند، امام می‌گوید: اگر مسلمانی از این امر بمیرد - از غصه این که در حکومت او خلخال از پای یک زن یهودی درآورده‌اند - حق دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱/۱۶).

چنانکه از مباحث فوق استنباط می‌شود، دولت اسلامی، امانتی الهی، وظیفه‌ای علمی، ابزاری برای اقامه حق، ناشی از قانون الهی، غیراستبدادی، ناظر به مصالح مادی و معنوی مسلمانان و متکی به هدایت الهی و اراده مردمی است.

## ۶. مبانی تصدیقی دولت اسلامی

مبانی تصدیقی دولت اسلامی بطور کلی بر دو قسم است: مبانی دور و مبانی نزدیک. بدیهی است تشریح این مبانی، نیاز به مجال کافی دارد که از حدود ظرفیت این پژوهش خارج است؛ اما به جهت اهمیت موضوع و در چارچوب ظرفیت این تحقیق، به تشریح مبانی دور و سپس بایدهای مبانی نزدیک بطور مختصر پرداخته و بحث تفصیلی و همچنین نبایدهای مبانی نزدیک دولت اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای (رشوه، فساد اداری، ویژه‌خواری، کم‌کاری، بی‌اعتنایی به مردم، میل به اشرافی‌گری، حیف و میل بیت‌المال) که در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۲۸ ترسیم کردند را به

فرصت مناسب دیگری وا می‌گذاریم.

۱-۶. **مبانی تصدیقی دور:** منظور از مبانی دور، در واقع، مبانی فلسفی آن، اعم از مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و غیره در حول مباحث وجود و عدم، ثابت و متغیر یا حرکت و سکون، امکان معرفت، منابع، ابزار و معیار معرفت و مانند آن است.

۱-۱-۶. **مبانی هستی‌شناختی:** هستی‌شناسی به بررسی مباحث مربوط به وجود و عدم حکومت، علل وجودی و دلایل آن می‌پردازد. بنابراین، تمرکز مباحث این بخش بر روی پاسخگویی به علل وجودی دولت اسلامی است. منظور از علل وجودی دولت اسلامی، بطور کلی چهار علت مادی، صوری (شکلی)، فاعلی و غایی برای دولت اسلامی است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱-۱-۱-۶. **علل مادی:** منظور از علل مادی، مواد و منابعی است که در تأسیس دولت اسلامی از آنها استفاده می‌شود. با استناد به قرآن کریم و نهج‌البلاغه روشن می‌شود که این امکانات نیز دارای اهمیت وافری است. در سوره انفال آیه ۶۰ در این زمینه آمده است: «و تا آنجا که می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا، و دشمنان خود و جز آنها که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد را بترسانید و آنچه را که در راه خدا هزینه می‌کنید به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود». امام علی(ع) در عهدنامه ۵۳ مخاطب به مالک اشتر، سربازان را حافظ رعیت، زینت فرمانروایان، عزت دین و موجب امنیت شمرده است. در این زمینه امام خامنه‌ای تولید ثروت در اسلام را با نگاه الهی و معنوی مطلوب می‌داند که نباید از آن برای فساد، سلطه و اسراف، بلکه بایستی برای سود جامعه استفاده کرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۱-۱-۲-۶. **علل صوری:** علل صوری در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت سیاست بوده و مبنای صورت‌بندی حکومت‌ها در واقع نظام‌های فکری، ارزشی و ایدئولوژیک است. از دیدگاه امام خامنه‌ای نظام‌های دنیا به سه گونه اداره می‌شوند:

یا با زور، مثل نظام‌های پلیسی، ... سیستم‌های استبدادی کمونیستی ... سلطنتی و شبه‌سلطنتی ... نوع دوم ... با تزویر و تبلیغات اداره می‌شوند، مثل ... دموکراسی‌های

غربی ... یک نوع نظام هم نظامی است که با محبت و عطف مردم اداره می‌شود. باید مردم را مورد محبت و احترام قرار داد ... تا به دستگاه حاکمه وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند. نظام ما تا حالا این‌گونه بوده است، بعد از این هم باید این‌طور باشد. بزرگ‌ترین بحران‌ها را هم همین عاطفه و محبت مردم از سر خواهد گذراند (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۲۳).

۶-۱-۱-۳. **علل فاعلی:** علت فاعلی دولت اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی، فرهنگ است. در این راستا، امام خامنه‌ای می‌فرماید: مسئله حکومت از دیدگاه اسلام باید در الگوی اسلامی - ایرانی مورد توجه کافی قرار گیرد و در ادامه اظهار می‌دارد:

صلاحیت‌های فردی در اسلام به گونه‌ای مهم است که هرکس می‌خواهد مسئولیت و مدیریت بپذیرد، باید صلاحیت‌های لازم را در خود بوجود آورد، وگرنه با پذیرش مسئولیت، عمل نامشروعی انجام داده است. عدم علو، عدم اسراف، عدم استثنا مسئله‌ی مهمی در امر حکومت است ... بنابراین، برای حاکم، علو و استعلا یک نقطه منفی است، نه خود او حق دارد که استعلا کند و نه اگر اهل استعلا است، حق دارد قدرت را قبول کند، نه مردم اجازه دارند که او را به عنوان حاکم و امام جامعه بپذیرند. استثنا یعنی همه چیز را برای خود خواستن، در مقابل ایثار است که همه چیز را به نفع دیگران از خود جدا می‌کند. این نگاه سعادت‌بخش، باید در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، جاری شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۶-۱-۱-۴. **علل غایی:** در الگوی اسلامی - ایرانی از دیدگاه امام خامنه‌ای هدف‌های دولت اسلامی صرفاً در پرتو محاسبات مادی نیست، بلکه در این زمینه منطق دولت اسلامی براساس وعده قرآن کریم، حرکت مردم به سمت حیات طیبه (زندگی گوارا و گم نکردن راه معنویت) است. خدای متعال فرموده است که: «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم»؛ به عهد من وفا کنید، تا من هم به عهد خود وفا کنم (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱/۲).

۶-۱-۲. **مبانی معرفت‌شناختی:** در معرفت‌شناختی باید دید کدام یک از شناخت‌هایی که

نسبت به دولت اسلامی ایجاد شده، درست و کدامیک نادرست است. امام خامنه‌ای در خصوص مبانی معرفتی موثر در نوع پیشرفت می‌فرماید:

هر ملتی، مبانی معرفتی ... دارد که آن مبانی تعیین‌کننده است ... در یک جامعه ... پول احترام مطلق دارد ... در جوامع غربی - تقریباً به طور عموم - از راه استعمار آمده است. ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم بدست آورد و توانست به وسیله‌ی آن ثروت و پول نقد و طلای نقد، سیاست خودش را بر کل اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، بخاطر پولی بود که انگلیسی‌ها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره‌ی هند بدست آورده بودند؛ ... اما در کشوری که استعمار را حرام ... استثمار را گناه ... غارت را ممنوع ... غصب را حرام ... تجاوز به حقوق دیگران و گرفتن مال دیگران را ممنوع می‌داند، پیشرفت یک معنای دیگری پیدا خواهد کرد ... (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۳-۱-۶. **مبانی روش‌شناختی:** هر الگوی حکومتی، مبتنی بر روشی است که در آن، حد و حدود حاکمان و مردمان، تعریف شده است. بر این اساس از نظر امام خامنه‌ای دولت اسلامی از هر روشی برای اداره جامعه اسلامی استفاده نمی‌کند و بر «ارزش محور» بودن روش‌ها از دیدگاه اسلامی تاکید دارد (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۶).

۴-۱-۶. **مبانی انسان‌شناختی:** انسان‌شناسی در جهان امروز بیشتر به بخش مادی انسان توجه داشته، و کمتر مسائل معنوی و روحی را انعکاس می‌دهد. در این راستا امام خامنه‌ای انسان را دو ساحتی می‌داند و از نظر ایشان جامعه‌ی اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۷).

۲-۶. **تصدیق مبانی نزدیک حکومت:** مبانی نزدیک حکومت که امری علمی است، معمولاً در علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی و روش تجربی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا برخی از مهم‌ترین وجوه تصدیقی مبانی نزدیک در قالب بایدهای دولت اسلامی از نگاه امام خامنه‌ای در ادامه تشریح می‌شود.



۶-۲-۱. **سلامت اعتقادی و اخلاقی:** از نظر امام خامنه‌ای منابع اسلامی، مجموعه‌ی رهنمودهای امام خمینی و اصول انقلاب، تصویری از اعتقادات و اخلاقیاتی است که کارگزاران دولت اسلامی باید منش درونی خود را با آنها بیاریند (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶). جهت ارتقای شاخص‌های اعتقادی و اخلاقی دولت‌مردان در دولت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای می‌توان به «اعتزاز به اسلام، تواضع و نغلتیدن در گرداب غرور، اجتناب از اسراف و ریخت و پاش، سعه صدر و تحمل مخالف، شایسته‌سالاری، شجاعت و قاطعیت در بیان و اعمال حق» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۶) همچنین «ساده‌زیستی، استکبارستیزی و افتخار به انقلابی‌گری» اشاره کرد.

۶-۲-۲. **خدمت به خلق:** از نظر امام خامنه‌ای گفتمان اصلی دولت اسلامی خدمت‌رسانی است. در نهضت خدمت‌رسانی، کارها باید به صورت جهادی انجام شود، اما جهادی به معنای بی‌قانونی نیست، بلکه کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶). به دلیل همین روحیه جهادی است که کارگزاران دولت اسلامی در هر نقطه‌ای که باشند مسئولیت کارشان را می‌پذیرند (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۶).

۶-۲-۳. **عدالت:** بدون عدالت نمی‌توان به پیشرفت مطلوب دولت اسلامی نائل شد. در این راستا، امام خامنه‌ای تصریح می‌کنند: «در ذات پیشرفت، عدالت بایستی ملحوظ شده باشد. این کار الگو لازم دارد ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۱۶). بنابراین، طراحی الگوی پیشرفت زیرساخت اساسی برای دولت اسلامی به حساب می‌آید. در این راستا، دولت اسلامی باید در مورد تامین عدالت در زمینه‌های گوناگون (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۶/۶) اهتمام جدی داشته باشد.

۶-۲-۴. **سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد:** در اندیشه امام خامنه‌ای پیشگیری از فساد مقدم بر دیگر رفتارهای لازم برای مبارزه با فساد است. در نگاه ایشان «منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است، وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمی‌گذارد ... واقعاً فساد مثل موریانه است، نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل ... و مانند اینها، در دستگاهتان نفوذ بکند ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶).

۶-۲-۵. **قانون‌گرایی:** برای تحقق بخشیدن دولت اسلامی باید قانون‌گرایی در همه بخش‌های نظام سیاسی نهادینه شود. در این زمینه امام خامنه‌ای می‌فرماید: «گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب اگر چنانچه عمل نشود ... ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد ...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶).

۶-۲-۶. **مواجهه با نظام سلطه:** خداوند در قرآن هیچ راهی را برای تسلط کافران بر مومنان قرار نداده است. که این اصل بیانگر دو جنبه سلبی و ایجابی است، جنبه سلبی بدین معنا است در هیچ شرایطی تسلط کفار بر مسلمانان جایز نیست و بعد ایجابی مبتنی بر حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی به عنوان وظیفه دینی امت اسلامی است. امام خامنه‌ای در مورد اینکه دولت اسلامی دو دسته دشمن دارد، می‌فرماید:

همه‌ی سلطه‌گران و دیکتاتورهای دنیا به دلایل واضح دشمن دولت اسلامی‌اند؛ چون دولت اسلامی با اصل سلطه و دیکتاتوری مخالف است. کسانی هستند که به دین یا به ورود دین در عرصه‌ی زندگی معتقد نیستند- به اصطلاح سکولارها- این‌ها هم با دولت اسلامی مخالفند؛ ... مترفین بین‌المللی- یعنی ثروتمندان عظیم جهانی که نفت و منابع عمده‌ی جهانی را در اختیار خودشان می‌خواهند ... دسته‌ی دوم دشمنان درونی‌اند؛ ... دولت اسلامی ... یکی از آفت‌هایش این است که ما ادبیات دینی را غلیظ کنیم، ... بیش از آنچه در رفتارمان اسلامی عمل می‌کنیم، در زبان و اظهار و تظاهرات‌مان نخواهیم خود را جلوه دهیم ... محتوا را باید اسلامی کرد ... (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸).

۶-۲-۷. **حکمت بنیان و دانش‌محور باشد:** حکمت دانشی است که صاحب خود را از جهل و اعمال نابخردانه دور نگاه می‌دارد. بنابراین، امام خامنه‌ای یکی از شاخص‌های دولت اسلامی را خردگرایی و حکمت در کارها می‌داند که از جمله‌ی شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیت بالای کارشناسی در بخش‌های مختلف کشور است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶).

۶-۲-۸. **درون‌زا و برون‌گرا:** در این باره امام خامنه‌ای یکی از شاخص‌های دولت اسلامی را

تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور می‌داند، چرا که در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر اقتدار درونی آن کشور بوده و قوام نظام جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها افزایش یافته است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۶).

## ۷. تفاوت دولت اسلامی در الگو با دیگر دولت‌های اسلامی

با توجه به این مباحث، دولت اسلامی در الگو با دیگر دولت‌ها از لحاظ مبانی تصویری و تصدیقی تفاوت‌هایی دارد که در پی می‌آید.

در اسلام و ایران معاصر تصورات مختلفی از دولت اسلامی مطرح شده است، از جمله دموکراسی اسلامی سیداسدالله خرقانی (فیرحی، ۱۳۹۰: ص ۴۹۹)، دولت مشروطه آیت‌الله نائینی (نائینی، ۱۳۸۲)، دموکراسی قدسی آیت‌الله علی‌اکبر رشاد (رشاد، ۱۳۸۲)، دموکراسی مکتبی آیت‌الله سبحانی (سبحانی، ۱۳۷۰: ص ۱۹۵-۱۹۶)، دموکراسی متعهد علی شریعتی (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ص ۲۱۷)، جمهوری دموکراتیک اسلامی بازرگان (موسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۵۰)، جمهوری اسلامی (امام خمینی) و مردم‌سالاری دینی (آیت‌الله خامنه‌ای) و مانند آن است.

دولت اسلامی در الگو از لحاظ تصدیقی تفاوت‌هایی با دیگر دولت‌ها براساس جهت‌گیری، حاکم و هدف دارد. یکی حکومت‌هایی که از صدر اسلام تا به امروز در جغرافیای اسلامی شکل گرفته است، حکومت اسلامی در معنای عام نامیده می‌شود. بخاطر اینکه در کشورهای اسلامی و زمامداران‌شان مسلمان بوده است. این اطلاق حکومت‌هایی همچون بنی‌عباس و بنی‌امیه و در قرن معاصر حکومت‌های آتاتورک، رضاشاه و محمدرضاشاه را دربرمی‌گیرد و این حکومت‌ها تحت تاثیر شرایط زمانی و مکانی خود واقع شده و یا تحت تاثیر تحولات فکری در اروپا و تشکیل دولت-ملت‌های جدید قرار گرفتند و نظریه‌پردازان آن‌ها حکومت‌های زمان خود را توجیه و مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این راستا، امام خامنه‌ای می‌فرماید: «... اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست، و آلاً قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست ... بنابراین ... باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی [قانون اسلامی] باشد ...».

دوم اینکه حاکم در دولت اسلامی شرایط و اختیارات خاصی در نصوص دینی دارند. شرط قریشی بودن در نظریه‌های قدیم اهل سنت و نیز شرایط اجتهاد و عدالت حاکم در برخی اندیشه‌های جدید از نمونه‌های بارز این تفسیر است. از سوی دیگر، دولت اسلامی نه تنها ارزش‌های حاکم بر زندگی سیاسی و نیز شرایط رهبران و فرمان‌روایان از جانب دین تعریف می‌شود، بلکه شیوه استقرار حاکم در رأس هرم دولت و به طور کلی، ساختار نظام سیاسی و روش‌های مدیریت عمومی جامعه نیز به وسیله دین بیان می‌شود (فیرحی، ۱۳۸۸). در این زمینه از نظر امام خامنه‌ای حکومت فقیه، یعنی حکومت عالم به کتاب، عالم به علم کتاب، عالم به دین، و هر فقیهی هم نه؛ آن عالمی که تحت تاثیر هوای نفس باشد، او نمی‌تواند اداره کند. علاوه بر تهذیب و علم یا علم و عدالت، بایستی توانایی جسمی و قدرت اداره داشته باشد. بنابراین، حاکم عبارت است از آن انسان برگزیده، بر طبق معیارها، که معیارهایش در قرآن است (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ص ۱۷۱-۱۷۲).

در نهایت اینکه، هدف دولت اسلامی در نگاه امام خامنه‌ای همانطوری که ذکر شد بسترسازی برای مکارم اخلاقی در میان بشر و افراد جامعه است. در این زمینه شهید بهشتی حکومت‌ها را براساس هدف به سه نوع تقسیم می‌کند: اولاً، حکومتی که هدف آن تأمین خواسته‌های حاکم و هیأت حاکمه است. ثانیاً، حکومتی که هدف اصلی آن تأمین خواسته‌های مردم است و ثالثاً، حکومتی که هدف اصلی آن تأمین مصالح مردم است. در این حکومت نه اکثریت، نه تمایلات شخصی و نه هواها و هوس‌های مادی، هیچ‌گونه اصالت ندارد. اساس این حکومت مراعات مصالح مادی و معنوی، اخلاقی و دینی، برای همه افراد در همه نسل‌ها و زمان‌ها است (بهشتی، ۱۳۳۹: ص ۱۱۵-۱۰۷).

#### ۸. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث فوق، نتایج تحقیق را می‌توان در قالب نکات زیر خلاصه کرد:

۱. مبانی دولت اسلامی به طور کلی مشتمل بر مبانی تصویری و تصدیقی است. منظور از مبانی تصویری، تعریف و تلقی از دولت اسلامی به‌گونه‌ای است که تصور آن باعث تصدیق آن گردد. در

این زمینه، ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی دولت اسلامی، تلقی و تصور از دولت اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی باید منطبق بر تلقی و تصورات امام خامنه‌ای باشد، که بر اساس آن: دولت اسلامی، امانتی الهی، وظیفه‌ای علمی، ابزاری برای اقامه حق، ناشی از قانون الهی، غیر استبدادی، ناظر به مصالح مادی و معنوی مسلمانان و متکی به هدایت الهی و اراده مردمی است.

۲. منظور از مبانی تصدیقی دولت اسلامی، در واقع مبانی استدلالی آن می‌باشد که مشتمل بر دو قسم است: مبانی دور و مبانی نزدیک. مبانی دور امری فلسفی و گسترده در عرصه مباحث هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و مانند آن است. در حوزه مبانی انسان‌شناختی امام خامنه‌ای به همه جنبه‌های انسان توجه می‌کند و خدامحوری و حیات طیبه را مطرح می‌کند. در حوزه معرفت‌شناختی علاوه بر عقل، منابع وحیانی، شرع و تجربه‌های انسانی اهمیت دارد. از نظر هستی‌شناختی دولت اسلامی، علل صوری آن، سیاست و علل مادی آن را مبتنی بر فرهنگ می‌داند و در حوزه علل فاعلی و غایی در الگوی اسلامی - ایرانی، توسعه اقتصادی در جهت توسعه فرهنگی و توأمان جهت تعالی معنوی و اخلاقی است. از بعد روش‌شناختی دولت اسلامی از هر روشی استفاده نمی‌کند و بر «ارزش‌محور» بودن روش‌ها تاکید دارد. مبانی نزدیک دولت اسلامی دارای شاخصه‌هایی است که مهمترین آنها در قالب بایدهای دولت اسلامی عبارتند از: سلامت اعتقادی و اخلاقی، خدمت به خلق، عدالت، سلامت اقتصادی. مبارزه با فساد، قانون‌گرایی، مواجهه با نظام سلطه، حکمت، درون‌زا و برون‌گرا است.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. بهشتی، محمد (۱۳۳۹). حکومت در اسلام: هدف حکومت. مکتب تشیع، شماره ۳، ص ۱۱۵-۱۰۷.
۲. حجامی، حسین و دیگران (۱۳۸۶). گفتمان مهدویت: مقاله‌های گفتمان هشتم مهدویت. قم: شبان الجنه، ج ۲.
۳. حسینی‌زاده، محمدعلی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران. قم: مفید.
۴. حمزه‌پور، علی (۱۳۸۷). ضرورت‌ها و ویژگی‌های الگوی توسعه اسلامی - ایرانی. نامه دولت اسلامی، شماره ۳-۴.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹/۹/۱۰). بیانات در: نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-10664>
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۵/۱۲). بیانات در: مراسم تنفيذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech=7695>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۰۳/۱۴). بیانات در: مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی. قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/speech/2747>
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۸/۱/۱۶). بیانات در: دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترس در: <https://www.leader.ir/fa/speech/1735>
۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸/۶/۱۶). بیانات در: دیدار اعضای هیئت دولت. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-8019>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱/۷/۱۹). بیانات در: دیدار علما و روحانیون استان خراسان شمالی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-21151>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵/۸/۱۹). بیانات در: دیدار مردم دامغان. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-3364>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵/۹/۱۹). بیانات در: دیدار کارگزاران نظام. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-2820>

۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳/۱/۲). بیانات در: صحن مقدس رضوی مشهد مقدس. قابل دسترس در:  
<https://www.leader.ir/fa/speech/2563>
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱/۷/۲۲). بیانات در: اجتماع مردم اسفراين. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-21208>
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰/۵/۲۳). بیانات در: دیدار مسئولان و کارگزاران نظام. قابل دسترس در:  
<https://www.leader.ir/fa/speech/547>
۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۷/۲۴). بیانات در: دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-17597>
۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹/۱۲/۲۶). بیانات در: خطبه‌های نماز جمعه تهران. قابل دسترس در:  
<https://www.leader.ir/fa/speech/2095>
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۲/۲۷). بیانات در: دیدار استادان و دانشجویان کردستان. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-6917>
۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰/۹/۲۷). بیانات در: دیدار وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران. قابل دسترس در:  
<https://www.leader.ir/fa/speech/600>
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۵/۲۸). بیانات در: خطبه نماز جمعه. قابل دسترس در:  
<https://www.leader.ir/fa/speech/2778>
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱/۶/۳۰). بیانات در: دیدار با ائمه‌مختلّف مردم به مناسبت میلاد امام علی(ع). قابل دسترس در:  
<https://www.leader.ir/fa/speech/2313>
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۵/۶/۶). بیانات در: دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-3349>
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲/۶/۶). بیانات در: دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت. قابل دسترس در:  
<https://farsi.khamenei.ir/speech-23715>
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۶/۸). بیانات در: دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت. قابل دسترس در:  
<https://www.leader.ir/fa/speech/2785>
۲۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). ولایت و حکومت. تهران: موسسه ایمان جهادی.
۲۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۲). لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران، ج ۴۳.

۲۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). فرهنگ متوسط دهخدا. به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج مهرکی، اکرم سلطانی. تهران: دانشگاه تهران، ج ۲.
۲۸. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۲). دموکراسی قدسی. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). مبانی حکومت اسلامی. قم: انتشارات توحید.
۳۰. شاهرخی، سیدحامد (۱۳۸۹). مبانی مشروعیت حکومت اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای و شهید صدر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم.
۳۱. صدر، سید محمدباقر (۱۳۵۹). تئوری شناخت در فلسفه ما. ترجمه سیدحسین حسینی. تهران: وزارت امور خارجه.
۳۲. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
۳۳. غفوری، علی (۱۳۸۲). تاریخ اسلام: علم و توسعه. در: مجموعه مقالات اسلام و توسعه. تهران: نشر معارف.
۳۴. فیرحی، داوود (۱۳۸۸). نظام سیاسی و دولت در اسلام. تهران: سمت.
۳۵. فیرحی، داوود (۱۳۹۰). فقه و سیاست در ایران معاصر. تهران: نشر نی، ج ۱.
۳۶. مطهری، مرتضی (بی تا). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. قم: انتشارات صدرا.
۳۷. مظفری، آیت (۱۳۸۷). الگوی عدالت و پیشرفت در اسلام با تاکید بر الگوی دولت مهدوی. حکومت اسلامی، شماره ۴۹: ص ۵۸-۳۵.
۳۸. موسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت (۱۳۹۲). تاریخ انقلاب اسلامی؛ دولت موقت از تشکیل تا استعفاء. تهران: موسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت، ج ۱.
۳۹. نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تنبیه الامه و تنزیه المله. قم: بوستان کتاب.
۴۰. وینسنت، اندرو (۱۳۷۱). نظریه‌های دولت. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.